

مقاله پژوهشی
سبک‌شناسی اشعار رازق فانی

میثم حنیفی*، رحمت‌الله سیرت
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع)، تهران، ایران.

اردیبهشت ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۲، صفحات ۱۶۷-۱۸۶
DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۳۴۷

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: رازق فانی یکی از شاعران برجسته شعر معاصر افغانستان است که متأسفانه مانند اکثر شاعران هموطن خویش، در ایران چندان شناخته شده نیست. واکاوی و تحلیل همه‌سویه شعر فارسی در افغانستان یکی از زمینه‌های نسبتاً مغفول در جامعه ادبی ماست. در این پژوهش که با هدف شناخت ویژگیهای سبکی شعر رازق فانی انجام شده است، تلاش شده با ارائه نمونه‌هایی از شعر فانی، باب آشنایی با این شاعر بزرگ افغانستانی برای علاقه‌مندان گشوده شود. همچنین شناسایی جایگاه شاعری رازق فانی در میان شاعران معاصر ادبیات فارسی از اهداف این پژوهش است.

روش مطالعه: پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای نظری است. داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای بدست آمده و به شیوه توصیفی-تحلیلی و ارائه آمار به انجام رسیده است. محدوده مورد مطالعه، کتاب مجموعه اشعار رازق فانی است که به کوشش حفیظ شریعتی سحر در کابل به چاپ رسیده است. اشعار کلاسیک رازق فانی براساس روش سیروس شمیسا در سه سطح زبانی، ادبی و فکری سبک‌شناسی شده است.

یافته‌ها: برجسته‌ترین ویژگیهای زبانی شعر فانی عبارتند از بکارگیری واژه‌های عامیانه، واژه‌های کهن، انواع تکرار و قافیه‌های بدیعی. از برجستگیهای ادبی آن میتوان به بسامد بالای روش تناسب، انواع استعاره، تشبیهات تازه، انواع کنایه، سمبل، ارسال المثل و تلمیح اشاره کرد. مهمترین مشخصه‌های فکری شعر فانی عبارتند از: عشق به وطن، فراق و دوری از میهن، دردها و دغدغه‌های اجتماعی، گلایه و شکایت، اعتراض و انتقاد، مشکلات و گرفتاریهای دیار مهاجرت.

نتیجه‌گیری: از بررسیهای انجام شده میتوان نتیجه گرفت که رازق فانی شاعری استاد است که بر اصول و قواعد شعر کلاسیک کاملاً مسلط است و با زوایای مختلف شعر فارسی و سنین ادبی آشناست.

تاریخ دریافت: ۲۸ دی ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۳۰ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۱ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی شعر، رازق فانی، شعر معاصر افغانستان، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

* نویسنده مسئول:

✉ hanifi@abu.ac.ir
☎ ۵۵۲۳۵۶۵۴ (۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Raziq Fani's poems

M. Hanifi*, R. Sirat

Department of Persian Language and Literature, Ahl-e-Bayt International University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۷ January ۲۰۲۱
Reviewed: ۱۸ February ۲۰۲۱
Revised: ۰۱ March ۲۰۲۱
Accepted: ۲۰ April ۲۰۲۱

KEYWORDS

Stylistics of poetry, Razegh Fani, Contemporary Afghan poetry, language level, Literary level, intellectual level.

*Corresponding Author

✉ hanifi@abu.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱) ۵۵۲۳۵۶۵۴

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Razeq Fani is one of the prominent poets of contemporary Afghan poetry who, unfortunately, like most of his compatriots, is not well known in Iran. A comprehensive analysis of Persian poetry in Afghanistan is one of the relatively neglected areas in our literary community. In this research, which has been carried out with the aim of recognizing the stylistic features of Raziq Fani's poetry, an attempt has been made to introduce the great Afghan poet to those who are interested by presenting examples of Fani's poetry. Also, identifying the position of Razegh Fani as a contemporary poet of Persian literature is one of the objectives of this research.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical study. Its data were obtained by library method and were done in a descriptive-analytical way and by presenting statistics. The study area is a collection of poems by Raziq Fani, published in Kabul by Hafiz Shariati Sahar. Razegh Fani's classical poems have been stylized on three levels of language, literature and thought based on the method of Sirus Shamisa.

FINDINGS: The most prominent linguistic features of mortal poetry are the use of slang words, ancient words, types of repetitions and novel rhymes. Its literary highlights include the high frequency of the method of proportionality, types of metaphors, new similes, types of irony, symbols, proverbs and allusions. The most important intellectual characteristics of mortal poetry are: love for the homeland, separation from the homeland, social pains and worries, grievances, protests and criticisms, problems and troubles of the land of immigration.

CONCLUSION: From the studies done, it can be concluded that Razegh Fani is a master poet who is completely proficient in the principles and rules of classical poetry and is familiar with different angles of Persian poetry and literary traditions.

DOI: ۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۶۱۴۷

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۵	 ۰	 ۱

مقدمه

رازق فانی فرزند محمد صدیق در سال ۱۳۲۲ هـ.ش در محلهٔ بارانۀ کابل چشم به جهان گشود. مدرک کارشناسی را از دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه کابل و کارشناسی ارشد را در رشتهٔ اقتصاد سیاسی از دانشگاه صوفیه کشور بلغارستان بدست آورد. با شروع درگیریهای سیاسی و نظامی در افغانستان، در سال ۱۳۶۷ به همراه خانواده به آمریکا کوچ کرد و در شهر سانتیاگو ایالت کالیفورنیا اقامت گزید و بعد از سه دهه زندگی در آن کشور در سال ۱۳۸۷ بر اثر بیماری سرطان، در سن ۶۵ سالگی درگذشت (مقدمهٔ دیوان فانی، شریعتی: ص ۱۴). از فانی مجموعه‌های شعر *ارمغان جوانی* (۱۳۴۴)، *کابل*، *پیامبر باران* (۱۳۶۵)، *کابل*، *بر و آفتاب* (۱۳۷۲)، *کالیفورنیا*، *شکست شب* (۱۳۷۵)، *کالیفورنیا*، *دشت آینه و تصویر* (۱۳۸۳)، *کالیفورنیا* و *پرتو خورشید بر دیوار* (۱۳۸۶)، *کالیفورنیا* به چاپ رسیده است که شامل اشعاری در قالبهای غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی، چهارپاره و شعر نیمایی است. گرایش وی بیشتر به غزل و مثنوی است. تمام اشعار رازق فانی در یک مجموعه به نام «مجموعه اشعار رازق فانی» به کوشش حفیظ شریعتی سحر در کابل به چاپ رسیده و پژوهش حاضر بر مبنای این مجموعه انجام گرفته است.

فانی شاعری را در جوانی آغاز کرد. در اوایل شاعریش، شعرهای عاشقانه و اجتماعی میسرود، ولی جانمایهٔ شعرهای سالهای اخیر فانی، بیشتر مسائل جنگ، غم غربت و دوری از وطن، انتقاد از حاکمان استبدادگر و نفاق‌پیشه و روزگار ناهموار است (وطن مرا ببخش، رجایی: ص ۵۶). در مثنویهایش علاقهٔ زیادی به مثنوی معنوی مولانا نشان داده و اکثر مثنویهای وی به همین وزن است.

اینکه در اشعار فانی کدام ویژگیهای زبانی برجسته است؛ مهمترین ویژگیهای ادبی اشعار او چیست و ا لحاظ فکری چه موضوعاتی در اشعار وی بسامد بالایی دارد، مهمترین پرسشهای این پژوهش است.

سابقهٔ پژوهش

بررسیهای انجام‌شده نشان میدهد تاکنون تحقیقی با موضوع سبک‌شناسی اشعار فانی و نیز تحقیق مستقلی در رابطه با زندگی و اشعار وی صورت نگرفته است. تنها چند مقاله و بخشهایی از چند کتاب بطور مختصر به زندگی و بعضی ویژگیهای اشعار وی پرداخته است که به قرار زیر است:

گلنساء محمدی (۱۳۹۴) در کتاب «تحلیل شعر مهاجرت افغانستان» به شرح زندگی و نمونهٔ اشعار فانی پرداخته است. سید ابوطالب مظفری (۱۳۹۳) *زندگینامهٔ مختصر و نمونهٔ شعر فانی* را در کتاب «پایتخت پریها» چاپ انجمن شاعران ایران آورده است. محمد سرور رجایی (۱۳۷۸) در یادداشتی در دفتر شعر شمارهٔ ۵۵ با عنوان «وطن مرا ببخش!» فانی را معرفی نموده و چند نمونه از اشعار او را نیز آورده است.

اهداف پژوهش

رازق فانی یکی از شاعران برجستهٔ شعر معاصر افغانستان است که متأسفانه مانند اکثر شاعران هموطن خویش، در ایران چندان شناخته‌شده نیست. واکاوی و تحلیل همه‌سویهٔ شعر فارسی در افغانستان یکی از زمینه‌های نسبتاً مغفول در جامعهٔ ادبی ماست. در این پژوهش که با هدف شناخت ویژگیهای سبکی شعر رازق فانی انجام شده است، تلاش شده با ارائهٔ نمونه‌هایی از شعر فانی، باب آشنایی با این شاعر بزرگ افغانستانی برای علاقه‌مندان گشوده شود. همچنین شناسایی جایگاه شاعری رازق فانی در میان شاعران معاصر ادبیات فارسی از اهداف این پژوهش است.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است. داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای بدست آمده و به شیوه توصیفی-تحلیلی و ارائه آمار به انجام رسیده است. محدوده مورد مطالعه، کتاب «مجموعه اشعار رازق فانی» است که به کوشش حفیظ شریعتی سحر در کابل به چاپ رسیده است. این مجموعه شامل شش کتاب شعر فانی و نیز «رباعیها»، «چهارپاره‌ها» و «نیماییها» است که جداگانه جمع‌آوری شده است. در این مجموعه، (۶) قصیده، (۱۲۴) غزل، (۳۱) مثنوی، (۴۲) رباعی، (۶) چهارپاره، (۴۰) شعر نیمایی، (۲) قطعه، (۲) دوبیتی، (۱) مخمس و (۱) ترجیع‌بند جای گرفته است. این پژوهش بر مبنای اشعار کلاسیک فانی صورت گرفته است.

اشعار فانی براساس روش دکتر سیروس شمیسا در سه سطح زبانی، ادبی و فکری سبک‌شناسی شده است. تقسیم‌بندی آرایه‌های بدیعی و بیانی نیز مطابق روش و تقسیم‌بندی کتابهای «نگاهی تازه به بدیع» و «بیان و معانی» سیروس شمیسا صورت گرفته است. همچنین از کتاب «فنون بلاغت و صناعات ادبی» جلال‌الدین همایی و نیز کتاب «زیباشناسی سخن پارسی» میرجلال‌الدین کزازی در تعریف و شناسایی بعضی از آرایه‌ها استفاده شده است. در ارجاع‌دهی به اشعار رازق فانی، تمام ارجاعات به کتاب «مجموعه اشعار رازق فانی» است. شماره‌های ارجاع از طرف راست به چپ به ترتیب مربوط به شماره صفحه و بیت است؛ برای مثال: (۵/۲۰) نشانگر صفحه بیست و بیت پنج است.

بحث و بررسی

سبک‌شناسی اشعار رازق فانی

ویژگیهای زبانی

«سطح زبانی مقوله گسترده‌ای است، از این رو آن را به سه سطح کوچکتر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میکنیم» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۱۶).

سطح آوایی

این سطح، سطح موسیقایی نیز نامیده میشود؛ چون در این بخش متن از لحاظ موسیقی بیرونی و کناری یعنی وزن، قافیه و ردیف و موسیقی درونی یعنی صنایع بدیعی لفظی از قبیل انواع سجع، انواع جناس، انواع تکرار و ... مورد بررسی قرار میگیرد (همان: ص ۲۱۷).

موسیقی بیرونی (وزن)

وزن در زیبایی و آهنگین کردن شعر نقش بسیاری دارد. به همین دلیل شاعران تلاش میکنند که در اشعارشان از وزنهایی استفاده کنند که به زیبایی و تأثیرگذاری شعرشان بیفزاید. وزن «نظم و تناسبی است در اصوات؛ شعر از کلمات تشکیل میشود و کلمه مجموعه‌ای از اصوات ملفوظ است. پس وزن شعر، حاصل وزن و تناسبی است که در صوتهای ملفوظ ایجاد شده باشد» (خانلری، وزن شعر فارسی: ص ۱۱۱).

فانی ۱۹۷ شعر در قالبهای مختلف، در ۸ بحر و ۱۹ وزن مختلف سروده است.^۱ بیشترین اشعار فانی در بحرهای هزج، رمل و مضارع سروده شده است.

^۱ البته همانطور که ذکر شد اشعار نیمایی در این شمارش محسوب نشده‌اند.

فانی به بحر هزج با سرودن ۷۹ شعر در این بحر علاقه‌مندی نشان داده است: ۴۲ رباعی، ۲۸ غزل، ۵ قصیده، ۲ دوبیتی، ۱ قطعه و ۱ مثنوی. بحر رمل با ۱۹ غزل، ۱۷ مثنوی و ۱ قصیده و بحر مضارع با ۳۴ غزل و ۲ قصیده، در مرتبه دوم و سوم قرار دارند. همچنین بحرهای مقارب با ۶ غزل و ۹ مثنوی، مجتث با ۹ غزل و ۱ ترجیع‌بند، خفیف با ۹ غزل و ۱ مثنوی، رجز با ۹ غزل و بحر سریع با ۱ مثنوی به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. لحن بسیاری از سروده‌های فانی غم‌انگیز، اندوهناک و دردآور است و بیشتر از وزنهای سنگین و آرام استفاده شده است. انتخاب این لحن و وزن در تناسب کامل با محتوای اشعار است.

موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

«موسیقی کناری نیز مانند وزن، از همراهان همیشه شعر فارسی بوده و تکمیل‌کننده ساختمان آن است» (روزنه، کاظمی: ص ۱۹۲).

قافیه

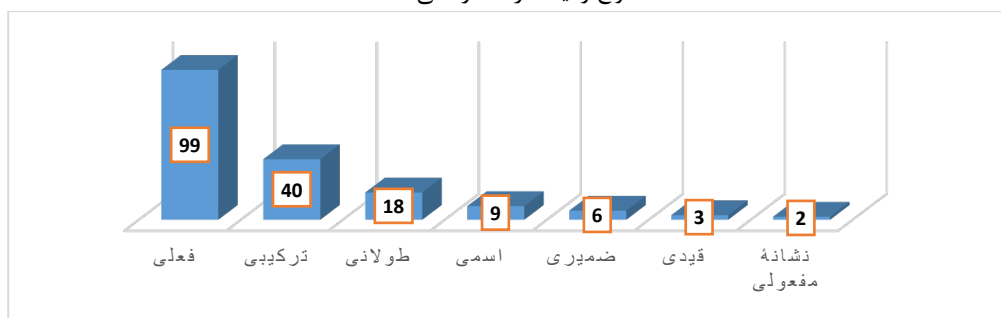
فانی در اشعارش از قافیه‌های ساده استفاده کرده و از آوردن قافیه‌های بیگانه و نامأنوس خودداری کرده است. البته در انتخاب قافیه اشعارش دست به خلاقیت نیز زده است و مصادیق قافیه بدیعی چون تجنیس در قافیه، قافیه معموله، ردالقافیه و ذوقافیتین در اشعارش دیده میشود. در مجموع اشعار وی ۸۶ مورد قافیه تجنیس، ۱۱ مورد ذوقافیتین، ۳ مورد قافیه معموله و ۲ مورد ردالقافیه استفاده شده است:

خدا چون تو را صاحب تاج کرد رعیت نباید که تاراج کرد
(۴/۱۳۴)

با حکیم غزنه اندر گفتگوست قصه‌های دوست میگوید به دوست
(۲/۲۶۹)

ردیف: فانی به ردیفهای اشعار خود که بخش مهم موسیقی کناری را شکل میدهد اهمیت زیادی داده و اکثر اشعار وی مردف است. در مجموع ۱۷۶ شعر او مردف است که از آن میان، ۱۰۵ غزل، ۳۳ رباعی، ۷ قصیده، ۲ قطعه، ۱ دوبیتی و ۲۸ پاره (بند) چهارپاره دارای ردیف هستند.

انواع ردیف در اشعار فانی



آنچه از آمار ارائه‌شده بدست می‌آید این است که در اکثر اشعار مردف فانی ردیف فعلی بکار رفته است و در درجه دوم و سوم به ترتیب، ردیف ترکیبی که از ترکیب اسم، فعل، ضمیر، صفت، قید، حرف اضافه، شناسه و... ساخته میشود و ردیف طولانی، بسامد بالاتری دارد.

موسیقی درونی

هرکدام از جلوه‌های تنوع و تکرار، در نظام آواها که از مقوله موسیقی بیرونی و کناری نباشد در حوزه موسیقی درونی قرار می‌گیرد؛ مانند انواع جناس، سجع، تکرار و... باید یادآور شویم که این قلمرو موسیقی شعر، مهمترین قلمرو موسیقی است و استواری و انسجام و مبانی جملات‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی، در همین نوع از موسیقی نهفته است (موسیقی شعر، شفيعی کدکنی: ص ۳۹۲).

جناس

تجنیس یا جناس «آن است که گوینده یا نویسنده در سخن خود کلمات همجنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنی مختلف باشند» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۴). در اشعار فانی انواع جناس دامنه گسترده‌ای دارد و در کل ۵۰۴ مورد جناس در اشعار دیده می‌شود.

ریشه در خاک مکن نکهت گل باش و نسیم
تا از این باغ سبک‌بالترا از باد روی
(۳/۷۹)

روزی که جنگ، جنگل ما را به فتنه سوخت
در دود، در شرار چکیده است خون ما
(۶/۲۴۴)

گاه کرامت است کرم کن که سوختیم
وقت مدد رسیده مدد کن تو یا علی
(۱/۲۳۵)

سجع: در کنار انواع جناس، سجع نیز در اشعار فانی کاربرد قابل توجهی دارد؛ هم در سطح کلمه و هم در سطح کلام و در ۱۷۳ بیت استفاده شده است.

چه کاذبها شود صادق، چه صادقها شود کاذب
چه عابدها شود فاسق، چه فاسقها شود ملا
(۳/۱۳۹)

غم دارم و غم دارم، یک سینه الم دارم
سحری به قلم دارم، پیچم به سخن آتش
(۲/۱۷۳)

در فسانه زاهد توبه‌ای و تزویری
در ترانه شاعر شکوه‌ای و هذیانی
(۲/۲۵۶)

تکرار: تکرار در اشعار فانی بسامد بالایی دارد و این آرایه باعث افزایش موسیقی در کلام او شده است. فانی انواع تکرار را هم در سطح حروف، هم در سطح واژه و هم در سطح کلام استفاده کرده است. گاهی این تکرارها با نظم و ترتیب خاصی بکار رفته است، مانند تکریر، اعنات، ردالصدر و... گذشته از واج‌آرایی، در مجموع ۳۹۶ مورد تکرار در اشعار فانی بکار رفته است.

یک عمر خطا کرد و خطا رفت و خطا دید
امروز به سودای صواب است دل ما
(۵/۱۵۰)

من هیچ هیچ هیچم، بر هیچ هیچ پیچم
نی نوشم و نه نیشم، از خود کجا گریزم
(۵/۲۹۵)

نوحه کن بر شهر ویران نوحه کن
بر سر گور شهیدان نوحه کن
(۲/۲۳۱)

واج‌آرایی: تکرار صامت و یا مصوت در چندین کلمه یک جمله و یا مصرع است و بر دو گونه است: همحروفی و همصدایی. همحروفی از تکرار صامتها بوجود می‌آید و همصدایی از تکرار مصوتها (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۷۶، ۷۳). مورد واج‌آرایی شاخص در اشعار فانی بکار رفته است.

تو گویی مگو وصف گل اینقدر
اگر گل نگویم چه گویم دگر
(۵/۹۲)

رشته تقدیر ما در دستِ توست
قدرت این تیرها در دستِ توست
(۳/۲۳۲)

سطح لغوی

در این بخش میزان کاربرد و بسامد واژه‌های عامیانه و کهن بررسی میشود. در اشعار فانی از واژه‌های زبان معیار فارسی معمول در افغانستان استفاده شده و از زبان عربی هم لغاتی بکار رفته که در ادبیات امروز استفاده میشود. او با آنکه بیشتر اشعارش را در آمریکا سروده است، هیچ واژه‌ای از انگلیسی و دیگر زبانها در اشعارش دیده نمیشود. **الف) واژه‌های عامیانه:** در اشعار فانی ۵۴ مورد واژه عامیانه به لهجه کابل استفاده شده است. این بیانگر آن است که شاعر در بکار بردن لغات، خود را محدود به زبان معیار نساخته است.

دل کس به کس نسوزد به محیط ما به حدی
که غزال چوپه‌اش را به پلنگ میفروشد
(۵/۷۴)

چوپه: بچه و نوزاد حیوانات.

ساعتی پس خواست تا پر وا کند
تا مگر در زیر سقفی جا کند
(۶/۱۰۵)

در گویش افغانستان «پس» به معنای بعد (در جایگاه صفت) و «وا» به معنای باز در کلام رسمی کاربرد دارد. **ب) واژه‌های کهن:** در اشعار فانی واژه‌های کهن بویژه واژه‌هایی چون «اندر» و «زی» (زندگی) بچشم میخورد. در مجموع ۵۲ مورد واژه کهن بکار رفته است.

تا ببیند دیده‌ام دیدار دوست
تا نیوشد گوش من گفتار دوست
(۴/۲۷۰)

نیوشیدن: شنیدن و گوش دادن.

آن شنیدستی که مرغی ناتوان
در زمستان دید از باران زیان
(۴/۱۰۵)

شنیدستی: شنیده‌ای یا شنیده هستی.

سطح نحوی

شبه‌جمله: شبه‌جمله عبارت از کلمه یا گروهی از کلمات است که گوینده بواسطه آنها حالت عاطفی خود را بیان میکند؛ مانند شادی، درد، تعجب، افسوس و تحسین (دستور زبان فارسی ۱، انوری و گیوی: صص ۱۶۷-۱۶۶). در اشعار فانی ۲۴ مورد شبه‌جمله وجود دارد.

چون بنهد به خانه پا، خاک شود از او طلا
وِه! که درین خرابه‌ها باز خزانه میرسد
(۲/۲۰۷)

بر رخ نقاب آهو در سینه قلب گفتار
به به! چه راه و رفتار بگزیده‌اند گرگان
(۱/۳۰۰)

صفت و موصوف مقلوب: براساس قواعد دستوری زبان فارسی صفت بیانی بعد از موصوف قرار می‌گیرد؛ اما در شعر گاهی این قاعده بهم می‌خورد و صفت قبل از موصوف می‌آید که در این صورت اکثراً کسرۀ اضافه حذف شده و حکم کلمۀ مرکب را می‌گیرد. در کل اشعار فانی ۳۳ مورد صفت و موصوف مقلوب بکار رفته است.

منم آن یگانه‌طفلی که محیط مادرم شد
سر سنگ میزنم غلت ز کنار میگریزم
(۵/۸۳)

رها کن یا گریبان بشر از پنجه ابلیس
و یا بیچاره‌آدم را مگو دیگر که فرمان بر
(۷/۲۵۳)

ویژگیهای ادبی

در این بخش، مسائل علم بیان مانند تشبیه، کنایه، استعاره و سمبل و مسائل بدیع معنوی چون ایهام، تناسب و تلمیح و بطور کلی زبان ادبی اثر و هرگونه انحرافهای هنری و خلاقیت‌های ادبی در زبان و بسامد آنها بررسی میشود. هر قدر خلاقیت‌های ادبی و هنری شاعر بیشتر باشد به همان اندازه سبک وی برجسته‌تر خواهد بود.

بیان: از منظر صورخیال، استعاره، تشبیه و سمبل در اشعار رازق فانی بسامد بالاتری دارند و از بین این ابزارهای تصویرساز، توجه بیشتر فانی به استعاره و تشبیه بوده است.

تشبیه: فانی در تشبیهات بدنیاال یافتن وجه شبه جدید، تصویرسازی تازه و خلق مضامین نو است و از بین انواع تشبیه، به تشبیه بلیغ و اضافه تشبیهی بیشتر توجه دارد و در مجموع ۷۶۴ مورد تشبیه در اشعار فانی بکار رفته است.

الف) تشبیه مضمیر: ۳۴ مورد:

ساقی مریز باده که دیوانه می‌شوم
جایی که چشم مست تو باشد شراب چیست؟
(۶/۱۸۴)

گر بگویندت بیا تا می‌خوریم
گو خمش ما خون مردم کی خوریم
(۱۱/۱۱۳)

ب) تشبیه جمع: ۱۲ مورد:

تا خوبتر بیان کنم ای زندگی تو را
طبع خیام و خامۀ بهزاد می‌شوم
(۵/۷۵)

دل‌تنگ‌تر ز غنچه و آشفته‌تر ز گل
بیتاب‌تر ز موجۀ دریاست قلب من
(۲/۱۷۱)

ج) تشبیه تفضیل: ۲۲ مورد:

آسوده‌تر از تخت زراندود سلاطین
در سایۀ اندوه غریبانۀ خویشم
(۶/۲۸۷)

صدبار به سر تیشه زند باز ستیزد
فرهاد خجالت‌زده کوهکن ماست
(۶/۱۵۸)

(د) تشبیه مفروق: ۸ مورد:

نداشت منزل هستی سراغ آسایش
جهان به جاده و مردم به رهگذر ماند
(۲/۵۱)

یک سنگ هجر میهن و یک سنگ درد عشق
گردون درین دو سنگ مرا آسیاب کرد
(۷/۱۹۸)

(ه) حسی به حسی: بیشتر تشبیهات در اشعار فانی از این دسته‌اند.

ای دل تو به این دیده نمناک بساز
چون گل شده‌ای اگر چه صد چاک بساز
(۳/۳۱۵)

چون بوی گل که گاه شکفتن شود پدید
من از میان شعر خود ایجاد می‌شوم
(۶/۷۵)

(و) عقلی به حسی: ۱۶ مورد:

غفلت زندگی چو شیشه می
پنبه در گوش کرده است مرا
(۵/۵۶)

(ز) تشبیه تمثیلی: ۶۵ مورد:

بوسه چو میدهی به من تیر نگه به دل مزین
مینکشد گدای را آن‌که زکات می‌دهد
(۵/۱۶۷)

ز تنور طبع فانی تو مجو سرود آرام
مطلب گل از دکانی که تفنگ می‌فروشد
(۷/۷۸)

(ح) اضافه تشبیهی: اضافه تشبیهی آن است که در آن مشبه و مشبه‌به به هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. به اصطلاح علم بیان، تشبیه هم مجمل است و هم مؤکد (بیان و معانی، شمیس: ص ۴۵)؛ بنابر این تعریف، همه اضافه‌های تشبیهی تشبیه بلیغ هستند؛ ولی این تعریف درست نیست. بررسیها نشان داده است که در بسیاری موارد در کنار مشبه و مشبه‌به، وجه شبه نیز وجود دارد. «فقط در تشبیه بلیغ نیست که مشبه و مشبه‌به می‌توانند بصورت مضاف و مضاف‌الیه بکار روند، بلکه در تشبیه غیربلیغ نیز این اتفاق می‌تواند بیفتد» (آیا اضافه تشبیهی همیشه بلیغ است؟، صحرایی و حیدری: ص ۱). برای مثال:

به دامن بوعلیها پروراندی، ولی امروز
کباب شعله‌های جهل فرزندان شدی میهن
(۲/۲۶۱)

در مصرع دوم «شعله‌های جهل» اضافه تشبیهی است. «جهل» مشبه، «شعله» مشبه‌به و «کباب کردن» وجه شبه است؛ بنابراین هر اضافه تشبیهی نمی‌تواند تشبیه بلیغ باشد. به این دلیل تشبیه بلیغ و اضافه تشبیهی در اشعار فانی بصورت جداگانه بررسی شده است. در مجموع ۳۵۲ اضافه تشبیهی (اعم از بلیغ و غیر آن) در اشعار فانی بکار رفته است.

رسیده‌ام که به فرعون باد بسـتـیزم کسی که آن‌همه خون ریخت در ولایت گل
(۶/۸۵)

بیا که بی رخ تو رونق بهار شکست درخت صبر مرا برف انتظار شکست
(۱/۱۵۲)

ط) **تشبیه بلیغ:** اضافه تشبیهی و تشبیه بلیغ به دلایلی که در عنوان قبلی ذکر شد در عنوانهای جداگانه بررسی شده است. در این بخش فقط تشبیهات بلیغی بررسی شده است که بصورت اضافی نیست. از اینگونه تشبیه ۱۵۳ مورد یافت شد.

بایدش در کمین نشست و ربود نیکبختی زر است و انسان دزد
(۴/۱۵۳)

هستی ما جملگی از هستت توسست ما همه شاخیم تیشه دست توسست
(۶/۲۳۲)

استعاره: «استعاره دامی است تنگتر و نهانتر از تشبیه که سخنور در برابر خواننده یا شنونده خود درمیگسترده؛ از این روی پروردگی هنری و ارزش زیباشناختی آن از تشبیه فزونتر است؛ چون سخن‌دوست را بیشتر به شگفتی درمی‌آورد» (زیباشناسی سخن پارسی ۱، کزازی: ص ۹۴). استعارات فانی اکثراً ساده و زودفهم هستند و چندان دور از ذهن بنظر نمی‌رسند. در تمام اشعار فانی ۹۲۶ مورد استعاره استفاد شده است.

کنون شعله‌ها بر زبان من است زبان شـرر ترجمان من است
(۱/۶۷)

خراب و خوب به چشم زمانه یکسانند فلک به مردم نادان و بی‌بصر مـانـد
(۵/۵۱)

یار چو یار ما شود، دل ز قفس رها شود بال نشاط وا شود، چنگ و چغانه میرسد
(۳/۲۰۷)

کنایه: کنایه‌ها در اشعار فانی ساده و از نوع ایما است. بسیاری از آنها برگرفته از امثال و رسوم مردم است. در مجموع ۱۰۵ مورد کنایه مشهود است.

گاه ز احکام خدا دم زنند خاک به چشم همه عالم زنند
(۴/۲۱۱)

که دارد چشم بینا تا بداند که این گندم‌نمایان جو فروشنـد
(۴/۳۳۶)

سمبل: سمبل که در فارسی به آن رمز، مظهر و نماد می‌گویند در اشعار فانی کاربرد زیادی دارد. برخی از سمبلهای شعر فانی سمبلهای قراردادی هستند و بعضی از آنها سمبلهای شخصی که برساخته شاعر است. در مجموع ۱۶۵ مورد سمبل در اشعار فانی بکار رفته است.

چسان بینم که نمودی بسوزاند خلیلی را چسان بینم که فرعونی بپوشاند ید بیضا؟
(۳/۱۴۰)

«نمرود» در معنای سمبلیک اشاره به افراد زورگو و ستمکار جامعه دارد و «خلیل» نماد انسانهای دانا، خیرخواه و درستکار است که مورد جفا و زورگویی قرار میگیرند. در مصرع دوم «فرعون» نماد افراد فریبکار است و در مقابل، «یدبضا» نماد حقایقی که توسط فرعونیان کتمان میشود.

یوسف ما خاک خواهد شد به مصر بی کسی
چون ز اخوان حیلها دیدست و کنعان آتش است
(۴/۲۶۰)

«یوسف» نماد انسانهای راستگو، صادق و صالح میتواند باشد و یا نماد کسانی که در اثر جنگ و ویرانی از وطنشان آواره دیار غربت شده‌اند و «مصر بی کسی» نماد کشورهای مهاجرپذیر خواهد بود. «اخوان» به معنای سمبلیک عاملین فریبکاری، جنگ و ویرانی و آوارگی و «کنعان» نماد افغانستان است که در اثر جنگها همه داشته‌هایش به باد فنا رفت.

ای نخل کهن خدا نگهدارت باد
بر شاخ تو آشیانه‌ای بود چه شد؟
(۱/۳۱۲)

«نخل کهن» نماد کشور افغانستان است که سابقه باستانی دارد و «آشیانه» در معنای سمبلیک میتواند آبادی و آسایش باشد که در اثر حملات بیگانه‌ها و جنگهای داخلی از بین رفت.

بدیع معنوی

الف) ایهام: در اشعار فانی در مجموع ۴۶ مورد از انواع ایهام مانند ایهام توریه، ایهام تناسب و استخدام دیده میشود.

از عهد بی ثبات تو و عمر خویشتن
با موجهای آب روان قصه میکنم
(۲/۱۸۸)

عهد: عصر، دوره و زمان / پیمان و وعده.

از سراچه عطار، نکهت بهار آورد
شاعر سخن سنجی، بانوی سخندانی
(۸/۲۵۶)

عطار: عطر فروش و داروفروش / فریدالدین عطار، نام شاعر.

بهار: فصل اول سال / ملک الشعراء بهار، نام شاعر.

ب) تناسب: فانی در این صنعت دست بالایی دارد و اشعارش پر است از تناسب کلمات. در مجموع اشعار او ۱۵۳ مورد از این صنعت وجود دارد.

گرچه بازار و دکان و خانه سوخت
شهرها را خصم نامردانه سوخت
(۱۲/۱۱۰)

تمام عمر سرگرم طواف کعبه عشقم
کفن بر دوش میگردم ز احرام چه میپرسی
(۲/۲۹۶)

چه زشتیها شود رنگین، چه تلخیها شود شیرین
چه بالاها رود پایین، چه سفلیها شود علیا
(۴/۱۳۹)

ج) تلمیح: فانی به این صنعت توجه زیادی دارد و اشارات متعددی به حوادث تاریخی، زندگی شاعران بزرگ و پیامبران داشته و گاه میان این داستانها و جریانهای جاری وطنش پیوند برقرار کرده است. در ۱۱۲ بیت اشارات تلمیحی وجود دارد.

کیست ابلیس؟ آن‌که مانند یزید	تیغ بر حلقوم مرد حق کشید
کیست مرد حق؟ حسین تشنه‌لب	آنکس از خیرالبشر دارد نسب
	(۳،۴/۱۱۴)
رستم داستان کجا رفتی	تا ببینی که کابلستان سوخت
	(۲/۲۰۶)

د) لف و نشر: ۱۴ مورد.

با <u>عطر گیسوان</u> و به <u>کیف نگاه</u> خویش	<u>بوی از بهار</u> و <u>نشئه ز صهبا</u> گرفته‌ای
	(۵/۲۵۴)
شمشیر و قلم یک‌یست هنگام نبرد	این زخم به تن میزند آن نیش به جان
	(۵/۳۱۴)

ه) ارسال‌المثل: ۲۹ مورد.

من نخل سالمند زمین صداقتم	زین بادهای سست نجیم ز جا علی!
	(۹/۲۳۵)
باید به هم رسیم که موجی شود بلند	هر قطره‌ای علیحده دریا نمیشود
	(۴/۲۳۹)

و) حسن تعلیل: ۱۱ مورد:

ای زلف سرکش یارا! آن سرکشی کجا شد؟	اینک به پای جانان افتادنت مبارک
	(۵/۱۷۰)
موج را چون یافتم با صخره در جنگ و گریز	هم نبرد بی‌دریغ و هم فرار آموختم
	(۶/۱۷۴)

سطح فکری

در این سطح موضوعاتی بررسی میشود که بیشترین برجستگی و تکرار را از نظر فکری و محتوایی دارد. **وطن‌دوستی:** این موضوع مهمترین درونمایه اشعار فانی را شکل میدهد. علاوه بر تصریح، گاهی با نماد، استعاره و کنایه به وطن‌دوستی پرداخته شده است. در ذیل این بخش موضوعاتی چون عشق به وطن، توصیف وطن و آرزوی آبادی و سازندگی وطن مطرح میشود. او وطنش را بعد از خدا مورد اکرام و ارزش قرار داده، و برایش آبادی و رفاه آرزو میکند:

وطن بعد از خدا نامت مرا ورد زبان بادا	شراب سرخ سودایت به رگهایم روان بادا
الا ای شهر کابل ای عقاب زخمی دوران	همای بخت را بر گوشه بامت مکان بادا
بر و بامت صفا از لوث بدخواهان و بدکیشان	گریبانت رها از پنجه اهریمنان بادا
	(۱-۳/۱۴۵)

فانی از مردم کشورش میخواهد که اختلافات را کنار گذاشته و برای آبادی و تربیت درست نسل آینده تلاش کنند:

ای بزرگان سبق جور به طفلان ندهید
من ز تفریق شما هموطنان دلگیرم

درس انصاف درین مدرسه ارشاد کنید
همه یک‌رنگ شوید و دل من شاد کنید

(۴،۵/۵۲)

اگرچه در اشعار فانی بیشتر رنج، بدبختی، جنگ و ویرانی افغانستان انعکاس یافته است، گاهی اشاره‌هایی به گذشته تاریخی، ارزشهای فرهنگی و شخصیت‌های بزرگ سرزمینش دارد:

شیرمردان از نژاد آریا
زادگاه زاله‌ها سهراب‌ها

جاگزین گشتند اندر آسیا
عرصه‌گاه خیزش سیلاب‌ها

آفتاب معنوی مولای روم
بوعلی‌سینا در اینجا زاده شد

پا به هستی ماند در این مرز و بوم
مشعل دانش به دستش داده شد

«از سنایی تا به رحمان و ختک»
نیست ممکن برشمارم یک‌به‌یک

(۳،۵،۶،۷،۸/۱۰۹)

مهاجرت: خیل عظیمی از مهاجرتها در پس جنگ‌های مداوم و خانمانسوز در بوده است. سهم مردم افغانستان در چند دهه اخیر از این مهاجرتها کم نبوده است. سی سال جنگ و ویرانی در افغانستان بسیاری از مردم را آواره دیار غریب ساخت. فانی نیز سی سال عمر خویش را در مهاجرت بسر برده و اثر آن در بیت اشعارش نمایان است و از دشواریها و دوری از وطن شکایت دارد و برای وصال دوباره وطنش لحظه‌شماری میکند.

سالها شد که رفته‌ای و هنوز
همه پرسند آرزویت چیست؟

با خیال تو گفتگوی من است
دیدنت باز آرزوی من است

(۱،۲/۳۲۱)

شاعر میخواهد سرش را فدای وطن کند:

میخواستم به پای تو میهن! سر افکنم
دور از تو بهره‌ای ز بهاران نمی‌برم

زنجیر غربت است به پا و به گردنم
گر گل شوم کجاست دماغ شگفتم

(۱-۲/۱۹۰)

دل شاعر در هر حالت، برای دیارش میتپد و هیچ چیز جای خالی میهن را در دل شاعر پر نمیکند:

دور از تو در بهشت دلم تنگ میشود
جانم هزار بار به غربت به لب رسید

دیوانه هوای توام ای دیار دور
گر زنده‌ام برای توام ای دیار دور

خواهم کس نشدم لیک از خدا
خواهم کس نشدم لیک از خدا

(۵،۶،۷/۲۹۷)

اعتراض و انتقاد: فانی از فساد، خودمحروری، ستم، جنگ و ویرانی انتقاد کرده و اشعار زیادی در این موضوعات سروده است. او بر این باور است که در این روزگار، هرکس که صادق و نیکوکار باشد قربانی گرگ‌منشی این شرایط میشود:

داد از این روزگار بدفرجام
چرخ بازیگریست افسونگر

که کند خون راستان در جام
نان آدم از اوست در خون تر

جهل‌پرور فلک نه امروز است
که به دانا همیشه غم روز است

(۱-۴/۲۱۳)

در شعر دیگری میگوید آنان که امروز در افغانستان رهبر و حاکم مردمند دیروز دزدان و راهگیران بودند و از خدا میخواهد که دزدان و غارتگران را بر مردم حاکم نسازد:

امیران به کاخند و مردم به خاک	ز بیدادشان سینه‌ها چاک‌چاک
ببین مـارها را که اژدر شدند	ببین رهـزنان را که رهبر شدند
دگر رهـزنی را تو رهـبر نساز	از این بیش ما را تو ابـتر نسـاز

(۲،۹،۱۰/۱۳۱)

و از مردم و حاکمان میخواهد اگر بار از دوش جامعه برداشتنند حداقل بار دوش جامعه نباشند:

تیشه بر پای خستگان ننزید	خسته‌ای را اگر عصا نشوید
سنگ را گر ز ره نبردارید	خلق را سنگ پیش پا نشوید

(۳،۴/۱۸۱)

انتقاد از فریب و نیرنگ در اشعار فانی پررنگ است. بارها از حاکمان خواسته که با مردم صادق و روراست باشند و از کسانی که به بهانه دینداری و خیرخواهی دست به فساد و جنایت میزنند انتقاد کرده است:

سـرها برید و تیغ قضا را بهانه ساخت	خلق خدا بکشت و خدا را بهانه ساخت
شیخ ازطریق کعبه ز بتخانه سر کشید	بنگر کجا رسید و کجا را بهانه ساخت
بودن بود ما همه در پای غـیر ریخت	گفتم بس است جـود و سخا را بهانه ساخت

(۱،۲،۴/۱۵۱)

در غزل «صدف» جامعه را غرق در نیرنگ توصیف میکند:

همه‌جا دکان رنگ است همه رنگ میفروشد	دل من به شیشه سوزد همه سنگ میفروشد
به کرشمه نگاهش دل ساده‌لوح ما را	چه به ناز میرباید چه قشـنگ میفروشد

(۱،۲/۷۸)

موضوعات اجتماعی

انسان‌دوستی: این موضوع در اشعار فانی فراوان است؛ بویژه در غزل «خامه بهزاد» که نهایت همنوع دوستی را به نمایش میگذارد.

با هر دلی که شاد شود شاد میشوم	آباد هر که گشت من آباد میشوم
در دام هرکه رفت شریک غمش منم	از بند هر که رسـت من آزاد میشوم
بینم اگر که بال فغان در دلی شکست	من بر لبش نشسته و فریاد میشوم

(۱،۲،۳/۷۵)

امید: در کنار شکایتها، اعتراضها و بیان درد و رنجها در اشعار فانی رگه‌هایی از امید نیز دیده میشود و روزهای خوش توأم با پیروزی را انتظار میکشد و هموطنانش را به صبر توصیه میکند:

گر باد ناموافق بشکست شاخ گل را	این هرزه‌گرد رسـوا تا سال نو نپاید
گر بلبل از چمن رفت دلخون مباحش زیرا	زین در اگر برون شد از آن دگر درآید
گر بندشی به کارت افتاد غصه کم خور	هر عقده را خردمند با صبر میگشاید

(۳،۴،۶/۱۹۴)

تلاش: فانی غفلت و تن‌پروری را حرام میدانند:

میرام زندگی سعی مدام است به راه زندگی راحت حرام است
(۱/۳۲۸)

برای رشد و شکوفایی نیاز به تلاش داریم و اگر فعالیت نداشته باشیم، روزگار نابودمان میکند:
از پی کاروان شتاب کنید تا در این جاده نقش پا نشوید
درس هستی ز آتش آموزید منشینید تا فنا نشوید
(۲،۶/۱۸۱)

زندگی با تلاش و جنبش درآمیخته است و سعی و تحرک، به زندگی انسان روح و جان میبخشد:
به دریا موج ازخودرفته‌ای گفت: اگر جنبش نباشد زندگی نیست
فروغ زندگی را جنبش آید چراغ مرده را تابندگی نیست
(۵،۶/۳۲۸)

آزادی و آزادی: فانی در اشعارش توجه جدی به آزادی دارد و آن را مشخصه مهم انسانهای مؤمن و کامل میداند.
او سر خم کردن در برابر دشمنان و ستمگران را ذلت دانسته و مردم را به آزادی توصیه میکند.
مرد مؤمن آنکه مرگش زندگیست گر به دشمن سر نهد شرمندگیست
(۲/۱۱۱)

با ظلم و استبداد نمیتوان صدای رسای آزادی و آزادی را خفه کرد:
پیداست که فریاد فلکتاز دلیران خامش نتوان کرد به شکنجه و زندان
پیداست که با مرمی و با خنجر بیداد نتوان ز فغان بسست لب مردم آزاد
(۸،۹/۲۱۹)

بازتاب عشق: بسامد اشعار عاشقانه در مجموعه اشعار فانی چندان بالا نیست، اما به هر حال عشق در اشعار او بازتاب یافته است:

- **عشق و سازندگی:** فانی عشق را انسان‌ساز میداند:
قطره‌ای را عشق گوهر میکند سنگ را از لعل برتر میکند
(۵/۱۲۶)

- **توصیف معشوق:** از معدود توصیفهای اوست:
هنگامه به پا گردد یارم چو به پا خیزد شوق از همه جا جوشد شور از همه جا خیزد
دیوانه دل عاشق بی باده به وجد آید اینگونه که آن ساقی با ناز و ادا خیزد
(۱،۲/۱۴۹)

- **در فراق معشوق:** در غزل «شام زندان» از درد هجر و فراق معشوق چنین شکایت میکند:
صنما! ترا چه گویم که چسانم از فراق ز تو شکوه‌ای ندارم به فغانم از فراق
به امید صبح وصلت همه شب درین خیالم که چگونه جان خود را برهانم از فراق
به رخت ز جان گذشتن بود از توانم اما غم خویش را نهفتن نتوانم از فراق
(۱-۳/۱۵۵)

- **فنا در معشوق:** در غزل «شمع نیمه‌روشن» این موضوع را زیبایی بیان کرده است:

این من که خفته در من من نیستم تو هستی
لب بر لبم نهادی گفستی بنال چون نی
قلب تو چون بگرید آید ز چشم من خون
در جان نموده مسکن من نیستم تو هستی
پس در فغان و شیون من نیستم تو هستی
این خون دل به دامن من نیستم تو هستی
(۱،۲،۳/۱۹۳)

موضوعات دینی

در اشعار فانی موضوعات دینی و مذهبی بسامد بالایی دارد. اشاره به آیات و داستانهای قرآنی، داستانهای پیامبران و خاندان پیامبر اسلام (علیهم‌السلام) و شکوه به آنها و یاری جستن از ایشان در اشعار فانی بوفور دیده میشود: به قصد وادی ایمن به صحرائی خرامیدم که از موسی اثر یابم ولی فرعون را دیدم (۱/۳۰۳)

حضرت محمد (ص) نسبت به پیامبران دیگر، در اشعار فانی انعکاس بیشتری یافته است. نعت پیامبر و درخواست حل مشکلات از ایشان از موضوعات تکرارشونده در اشعار فانی است:

که ای فخر رسل احمد برون شد رنج ما از حد
زند غم بر دلم نشتر، ندارم صبر تا محشر
دلم دیگر به تنگ آمد ز بازیهای این دنیا
بگو با عادل داور، بگو با خالق یکتا
(۱،۲/۱۴۰)

در قصیده‌ای بسیار تأثیرگذار به حضرت ایشان التجا میبرد:

به رخت نشد که قدم زنم، به چه آبرو ز تو دم زنم
تو گلاب گلشن انبیا، تو حبیب حضرت کبریا
غم خود برم به چه دآوری، بدرم گلو به چه محضری
به کدام خامه رقم زنم، به تو این قصیده محمدا
تو چراغ سینه اولیا، تو فروغ دیده محمدا
چه بگویم که چه نشتری، رگ ما بریده محمدا
(۲،۳،۷/۲۲۶)

امام علی (ع) نیز در اشعار فانی از جایگاه بلندی برخوردار است. فانی با آنکه سنی‌مذهب است حضرت علی را الگو، امام و رهبر خویش میخواند:

آلودگان مقام امامت گرفته‌اند
آموختم ز تو که نلرزد دل و تنم
من از پی کدام کنم اقتدا علی؟
در راه حق اگر شوم جان فدا علی
(۳،۶/۲۳۵)

فانی از وضعیت نابسامان هموطنانش، با حضرت علی (ع) سخن میگوید:

گردیده دشت و کوه وطن کربلا علی
اسلام را بین که چه بدنام کرده‌اند
فریاد اعتراض کسی گر کند بلند
شرح کدام گوشه این داستان دهم
افتاده مرد و کودک و زن در بلا علی
شیخ و فقیه و محتسب و پارسا علی
گویند کافر است و دهندش سزا علی
واقفتر از منی تو از این ماجرا علی
(۱،۲،۸،۱۰/۲۳۴)

فانی امام حسین (ع) را به داشتن استقامت، استواری، اعتقاد کامل و فرمانبرداری از خداوند توصیف و تحسین میکند:

هرچه گفتندش بجز حق گفت لا	مرحبا بر شهسوار کربلا
مرحبا بر هم‌رهان یک دلش	مرحبا بر اعتقاد کاملش
(۵،۶/۱۱۴)	

و در ادامه این مثنوی خطاب به خودش میگوید که آزادی و مردانگی را باید از امام حسین بیاموزد:

از حسین آموز دستور نبرد	جان بداد و سر به دشمن خم نکرد
از حسین آموز دستور جهاد	سر بداد و تن به نامردان نداد
	(۷،۸،۹/۱۱۴)

گلایه و شکایت: این موضوع نیز در اشعار فانی بسامد بالایی دارد. او که سه دهه جنگ، غربت و ویرانی شهر و دیارش را به تماشا نشسته است با دلی آکنده از درد و چشمی تر چنین شکوه میکند:

حسرتا لانه عقابان سوخت	جنگل آتش گرفت و مرغان سوخت
دست غارتگران چنگیزی	هست و بود دلیر مردان سوخت
	(۱،۵/۲۰۶)

بستند با گلوله صدای درخت را	گل‌ها گرفته عزای درخت را
مرغان ز شاخه یک به یک افتند و جان دهند	مسموم کرده‌اند هوای درخت را
از میوه نیست این که خمیده‌ست قامتش	طوفان شکسته قد رسای درخت را
	(۱-۳/۳۰۱)

اتحاد و همدلی: دعوت به وحدت و همدلی از موضوعات دیگر اشعار فانی است. او میگوید رشد، ترقی و آبادانی جامعه بدون اتحاد و هم‌پذیری میسر نمیشود:

جملگی یک روح و یک پیکر شویم	هر یکی اعضای یکدیگر شویم
نقش نو اندر جهان باید نهاد	این میسر نیست جز با اتحاد
روز و شب ما را تپیدن لازم است	عصر دیگر آفریدن لازم است
	(۱،۲،۳/۷۱)

قطره قطره نور چون با هم رویم	سیل در بنیاد ظلمت میشویم
	(۱۰/۲۸۱)

فانی تنها راه نجات از بحران جاری در کشور را صلح میدان و از مدعیان قدرت می‌خواهد دست از دشمنی بردارند:

بیا تا به هم صلح و سازش کنیم	مروت به مردم سفارش کنیم
بیا تا دل از کینه صافی کنیم	بدی را به نیکویی تلافی کنیم
	(۷،۹/۱۳۵)

طنز

طنز آن است که نویسنده موضوع را بگونه جدی نمیشکافد، بلکه حقایق را در پوششی از شوخ‌طبعی بیان میکند. این پوشش گاه رنگی از لب‌خند و گاه رنگی از زهرخند دارد و مخاطب را به تفکر وامیدارد. در اشعار فانی گاهی انتقاد از روزگار، فساد، ظلم و جنایت با شیوه طنز و بگونه غیرمستقیم دیده میشود.

به صاحب‌دلان زندگی مشکل است به اوج سعادت فلک می‌برد	دریغا به آن کس که صاحب دل است کسی را که از جـهل پا در گل است (۱-۲/۶۲)
باز دور خر است و خربازی خر قمرندان و فاتح جنگ است خر نشسته به مسند مولا	خورده است آدمی ز خر بازی خر علمدار علم و فرهنگ است میدهد خر به خیر و شر فتوا (۶-۸/۲۱۳)

نتیجه‌گیری

رازق فانی شاعری استاد است که بر اصول و قواعد شعر کلاسیک کاملاً مسلط است و با زوایای مختلف شعر فارسی و سنن ادبی آشناست. فانی اشعارش را در قالبهای مختلف سروده و از این میان قالبهای غزل، نیمایی، رباعی و مثنوی به ترتیب بسامد بالایی دارند. از نظر موسیقی بیرونی، هشت بحر معمول شعر فارسی و زحاف آنها در اشعار فانی بکار رفته و به ترتیب بحور هزج، رمل، مضارع و متقارب کاربرد بالا دارد و از این میان، بیشتر به بحر هزج و رمل توجه نشان داده است. در موسیقی کناری از انواع قافیه‌های بدیعی استفاده کرده است. اکثر اشعار او مردف است و بیشترین ردیفها، ردیف فعلی است و در مرتبه دوم ردیفهای ترکیبی قرار دارد. در بخش واژگان، فانی از زبان و واژه‌های معیار زبان فارسی استفاده کرده و گاهی واژه‌های عامیانه رایج در کابل و همچنین بعضی کلمات کهن که امروزه در قلمرو زبان فارسی کاربرد ندارد نیز در سروده‌هایش مشاهده میشود.

از صنایع لفظی، تکرار و انواع آن بسامد بالایی دارد و در مرتبه بعد، انواع جناس قرار دارد. در میان صنایع بدیع معنوی روش تناسب بیشترین کاربرد را دارد و روش ایهام و روش تشبیه به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. در بخش صور خیال استعاره در درجه اول قرار دارد و در مرتبه دوم انواع تشبیه بالاترین بسامد را دارد. نیز باید گفت که شبکه ذهنی شاعر در بیان صور خیال پیچیده نیست و درک و تشخیص تشبیه و شناخت معانی استعاری، کنایی و نمادها در شعر او دشوار بنظر نمیرسد.

در سطح فکری موضوعاتی چون وطن‌دوستی، اعتراض و انتقاد، دشواریهای دیار مهاجرت، دغدغه‌های اجتماعی، درد و رنج و دعوت به اتحاد و همدلی بیشترین بسامد را دارد. در مرتبه‌های بعدی انسان‌دوستی، گلایه از مشکلات، بازتاب عشق و دینگرایی قرار دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع) استخراج شده است. آقای دکتر میثم حنیفی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای رحمت الله سیرت به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بر خود واجب میدانم از استادان محترم بخش ادبیات دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) که در سالهای تحصیل از محضرشان بهره بردم و ماحصل دانش و اندیشه من، در نتیجه آموختن از آنهاست، قدردانی نمایم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Anvari, Hassan and Ahmadi Givi, Hassan. (۲۰۰۹). Persian Grammar ۱, Third Edition, Tehran: Fatemi, PP. ۱۶۶-۱۶۷.
- Fani, Razeq. (۲۰۱۶). Razeq Fani's Collection of Poems, Hafiz Shari'ati Sahar, Kabul: Amiri, p. ۱۴.
- Homayi, Jalaluddin. (۲۰۱۰). Rhetoric Techniques and Literary Devices, Tehran: Ahura, p. ۴۴.
- Kazemi, Mohammad Kazem. (۲۰۱۸). Rozaneh, Tehran: Sepideh Bavaran, p. ۱۹۲.
- Kazzazi, Mir Jalaluddin. (۲۰۱۴). Aesthetics of Persian Discourse ۱ (expression), Tehran: Markaz, p. ۹۴.
- Mohammadi, Golnesa. (۲۰۱۵). Analysis of Afghan Immigration Poetry, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies, p. ۵۸.
- Mozaffari, Seyed Aboutaleb. (۲۰۱۴). Capital of Fairies (Contemporary Afghan Poetry), Tehran: Iranian Poets Association, pp. ۳۴۶-۳۴۷.
- Natel Khanlari, Parviz. (۱۹۸۸). The Weight of Persian poetry, Tehran: Toos, p. ۱۱۱.
- Raja'ei, Mohammad Sarvar. (۲۰۰۸). My homeland, Forgive me! *Poetry Book*, No. ۵۵, pp. ۵۶-۵۷.
- Sahra'ei, Qasem and Heidari, Ali. (۱۹۹۹). Is the metaphorical addition always eloquent?, *Persian language and literature education*, ۲۲ (۱), pp. ۱۷-۱۹.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۱۹). Poetry Music, Tehran: Agah, p. ۳۹۲.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۴). Expression and Meanings, second edition, Tehran: Mitra, p. ۴۵.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۶). A New Look at Badie, Third Edition, Tehran: Mitra, p. ۷۳.

Shamisa, Sirus. (۲۰۱۶). Introduction to Stylistics, Second Edition, Tehran: Mitra, pp. ۲۱۶-۲۱۷.

فهرست منابع فارسی

- آیا اضافه تشبیهی همیشه بلیغ است؟، صحرایی، قاسم و حیدری، علی (۱۳۷۸). آموزش زبان و ادبیات فارسی، (۱)، ۲۲، صص ۱۱۷-۱۱۹.
- بیان و معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). ویراست دوم، تهران: میترا.
- پایتخت پریها (شعر معاصر افغانستان)، مظفری، سید ابوطالب (۱۳۹۳). تهران: انجمن شاعران ایران.
- تحلیل شعر مهاجرت افغانستان، محمدی، گلنساء (۱۳۹۴). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دستور زبان فارسی ۱، انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۸). ویرایش سوم، تهران: فاطمی.
- روزنه، کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۷). تهران: سپیده باوران.
- زیباشناسی سخن پارسی ۱ (بیان)، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۳). تهران: نشر مرکز.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). تهران: اهورا.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۹۵). ویراست دوم، تهران: میترا.
- مجموعه اشعار، فانی، رازق (۱۳۹۵). به کوشش حفیظ شریعتی سحر، کابل: امیری.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۸). تهران: آگه.
- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس (۱۳۹۵). ویراست سوم، تهران: میترا.
- وزن شعر فارسی، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۷). تهران: توس.
- وطن مرا ببخش!، رجایی، محمد سرور (۱۳۸۷). دفتر شعر، شماره ۵۵، صص ۵۶-۵۷.

معرفی نویسندگان

میثم حنیفی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع)، تهران، ایران.
(Email: hanifi@abu.ac.ir) نویسنده مسئول
رحمت‌الله سیرت: دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع)، تهران، ایران.
(Email:)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Rahmatollah Sirat: Graduate of Persian language and literature, Ahle-eBayt International University, Tehran, Iran.
(Email:)
Meysam Hanifi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahle-eBayt International University, Tehran, Iran.
(Email: hanifi@abu.ac.ir) Responsible author :)